

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر مناسک و رفتارهای دینی بر سبک عشق‌ورزی در میان شهروندان تهرانی

خدیجه سادات معصومی‌زاده دزفولی^۱، محمدرضا پویافر^۲، عاصمه قاسمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲

چکیده:

دین و اعتقادات دینی را نمی‌توان بدون اثر بر زندگی فردی و اجتماعی افراد در نظر گرفت. به ویژه که انجام مناسک و رفتارهای دینی بیشتر یک رفتار اجتماعی است تا درون‌فردی. از سوی دیگر، کیفیت روابط عاطفی و عاشقانه بین انسان‌ها، متأثر از عوامل عدیده‌ای است که ویژگی‌های شخصیتی هر فرد را می‌سازند. هدف این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی مناسک و رفتارهای دینی بر سبک عشق‌ورزی در میان شهروندان تهرانی است. محقق در این پژوهش، با استفاده از روش پیمایش و حجم نمونه‌ای مشتمل بر ۳۰۰ نفر که با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بخش‌های شمال، مرکز، شرق، غرب و جنوب تهران، انتخاب گردیده‌اند، به بررسی این موضوع می‌پردازد. تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از آزمون‌های توصیفی و استنباطی، صورت گرفته است. تحلیل روابط متغیرهای میانجی، بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی اصلی، با استفاده از نرم‌افزار *Spss* می‌باشد. علاوه بر این، برای تحلیل معادلات ساختاری حاکم بر روابط بین متغیرها از تحلیل معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار *Amos* استفاده گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انجام مناسک و رفتارهای دینی بر سبک عشق‌ورزی مؤثر است. بیشترین تأثیر بر عشق‌ورزی را رفتارهای دینی واجب داشته‌اند. در مقابل، مؤلفه اخلاق دینی تأثیر معناداری نشان نداده است. مناسک و رفتارهای دینی در سطحی قوی بر روی سبک عشق‌ورزی اثرگذار بوده و علی‌رغم آنکه نهاد دین در ایران امروز تحت الشعاع عرفی شدن قرار دارد، اما تأثیر خود را همچنان بر روی استحکام بنیان خانواده و عشق‌ورزی بین زوجین حفظ نموده است. از سوی دیگر در این پژوهش مشخص گردید رفتارهای دینی واجب تأثیر به‌سزایی بر روی سبک عشق‌ورزی دارد؛ به‌گونه‌ای که افراد مقید به رفتارهای واجب دینی از میزان بالایی از عشق‌ورزی برخوردار می‌باشند.

واژگان اصلی: سبک‌های عشق‌ورزی، دین‌داری، مناسک دینی، رفتار دینی.

۱. دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mrpouyafar@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

عشق و شیوه عشق‌ورزی به اشکال متفاوتی همه انسان‌ها را به خود مشغول ساخته است. عشق و صمیمیت، زبان مشترک و قابل فهم برای همه افراد به حساب می‌آید. «عشق و روابط عاطفی صمیمانه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای فرد، نقش حائز اهمیتی در سلامت روان افراد و جامعه برعهده دارد. بنابراین، می‌توان گفت نیاز به عشق‌ورزیدن و معشوق بودن، ریشه‌های عمیقی در طبیعت آدمی دارد و چیزی است که شخصاً آن را می‌آفرینیم نه اینکه صرفاً آن را غریزی دریافت یا پیدا کنیم» (زارعان و عامری، ۱۳۹۶: ۷۲). دین و مناسک دینی نقش غیر قابل انکاری در زندگی روزمره و اجتماعی تمام افراد جوامع دینی بر عهده دارد. کیفیت و عمق اعتقادات دینی ما به‌عنوان یک امر درونی و میزان تقید به انجام مناسک دینی و رفتارهای جمعی و فردی، می‌تواند در نوع نگرش افراد به مقولاتی مانند عشق، اثرگذار باشد. نوع نگرش به عشق و سبک‌های عشق‌ورزی، میزان ابراز محبت و نحوه بیان و بروز عشق و محبت، تعهد و پایبندی و وفاداری به همسر و نحوه رفتار عاشقانه توأم با احترام، در دوام، کیفیت و میزان رضایت زوجین از زندگی‌شان، مؤثر هست.

از طرف دیگر، مشاهده می‌شود که در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی دین مطرح می‌شود که هر چه جامعه مدرن‌تر و ساختارهای اجتماعی، پیچیده‌تر می‌شود، نهادهای اجتماعی دیگر، از جمله خانواده، خود را از زیر سایه‌ی دین خارج کرده و به اصطلاح فعالیت سکولار شدن یا عرفی شدن اتفاق می‌افتد. در کنار این الگوی سکولار شدن، خانواده نیز به شدت تحت تأثیر فردگرایی و تضعیف ساختارهای سنتی و تحولات فرهنگی در سطح ارزش‌ها و نگرش‌ها قرار می‌گیرد. در نتیجه‌ی این فرایندها، گونه‌های عشق، به عنوان محصول عمومی زندگی مدرن، واقعیتی رو به تکثیر در جوامع در حال گذار شده است؛ تا جایی که حتی مردان و زنان متأهل نیز حق خود می‌دانند که عاشق شوند و اگر لازم دانستند با جدایی از شریک زندگی اول خود به وصال معشوق جدید برسند. در واقع می‌توان گفت که در حالی که دین سنتی رابطه‌ی عاشقانه پیش از ازدواج را نهی می‌کند و در مقابل دین عرفی، عشق‌ورزی با معشوق دیگر در حین تأهل را غیر مجاز می‌داند؛ اما، دینداران در جوامعی همچون ایران که در حال تجربه‌های جدیدی از مدرن شدن است، گاه در مواجهه با جاذبه‌ی عشق در زندگی امروزی، از برخی از تقیدات خود به دین صرف نظر کرده، و تن به رابطه‌ی عاشقانه حتی در حین زندگی متأهلی خود می‌دهند.

۲- اهداف و سؤالات پژوهش

یکی از سؤالات، این است که در جامعه ایرانی که انسان‌های مسلمان، خود را به‌طور مداوم در معرض تغییراتی می‌بینند که بخش عمده‌ای از این تغییرات، از طریق رسانه‌ها اتفاق می‌افتد؛ این انسان‌ها، با توجه به ارزش‌ها و باورهای دینی‌شان، چطور به برقراری روابط عاشقانه دست می‌زنند و نگرش آن‌ها به روابط عاطفی و عاشقانه به چه شکلی است؟ همچنین، باورها و نگرش دینی آن‌ها چه تأثیری بر نگاه و رفتارشان در روابط عاشقانه دارد؟ پاسخ به این پرسش، اولاً؛ برای حل بخش مهمی از مسائل علم جامعه‌شناسی در تحلیل دین و تحولات آن در جامعه‌ی امروز اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه تبیین الگوی دین‌داری و تأثیرات آن بر انواع روابط عاشقانه که از مسائل روز جامعه‌ی ما هست، می‌تواند بسیاری از پیچیدگی‌های ناگفته‌ی عشق که اثر مستقیم و غیرمستقیم بر خانواده‌ی مسلمان ایرانی دارد را، نمایان سازد. دوم این‌که؛ از نظر کاربردی، سیاست‌گذاری و حکمرانی مناسب‌تر برای جامعه‌ی دینی، تنها با توجه به تحولات اجتماعی و فرهنگی و شناخت درست از مکانیسم‌های تغییرات اجتماعی در آن ممکن است. از این‌رو، شناخت تغییرات اجتماعی مرتبط با دین و تأثیر آن بر یک حوزه مهم زندگی روزمره، همچون روابط عاشقانه و عشق‌ورزی بین زن و مرد در جامعه‌ی مسلمان ایرانی اهمیت اساسی دارد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش می‌باشد که آیا بین شاخص‌های مناسک و رفتارهای دینی با سبک عشق‌ورزی رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟

۳- پیشینه پژوهش

ناظمی اشنی (۱۴۰۰)، در پژوهشی به این نتایج دست یافت که، «برای زن، زیبایی یک سرمایه و گرایش به زیبایی یک واقعیت است. شریعت اسلامی به‌رغم اینکه سرمایه‌های اصلی و ماندگار آدمی را کمالات اکتسابی و معنوی می‌داند اما هم زیبایی را در زنان به رسمیت شناخته و هم به حس زیباگرایی آنان توجه نموده است. استحباب کوتاه نکردن کامل ناخن، حرمت تراشیدن موی سر در حج، اجازه پوشش ابریشم و استفاده از طلا در حال احرام، کراهت نماز خواندن بدون زینت، قرار دادن زیبایی زن یکی از ملاک‌های تعیین مهرالمثل، جعل دیه یا قصاص برای زائل نمودن موی سر زنان با اینکه ریشه مو از بین نرفته، از مواردی است که فقه در جهت زیباگرایی زنان به آن پرداخته است». ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی معتقدند «بعد «اشتغال و کسب‌وکار» بیشترین اهمیت را در سبک زندگی اسلامی دارد و پس از آن، به‌ترتیب، دسته‌های «ارتباطات و تعاملات»، «نظم و انضباط»، «معماری و شهرسازی»، «سلامت و بهداشت»، «پوشش و

آرایش»، «تعلیم و تعلم»، «تغذیه»، «الگوی مصرف محصولات»، «اوقات فراغت» و «سنت‌ها و مراسمات، آیین‌ها و شعائر» قرار دارند. نتایج پژوهش مولوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد «بین دو متغیر اصلی تحقیق (سبک زندگی و مصرف فرهنگی) بوده است. نقش شبکه‌های داخلی در مصرف فرهنگی شهروندان، بیش از سه برابر شبکه‌های ماهواره‌ای بوده است.

قزوینه و همکاران (۱۳۹۸)، با بکار بردن روش کیفی و باهدف درک تجربه زیسته زنان از نقش مناسک دینی بر کاهش خشونت‌های خانگی در سه گونه همسرگزینی به ۵ مضمون زیر دست یافتند؛ الف- تجربه زنان از خشونت‌های خانگی علیه آنان، ب- واکنش زنان به خشونت علیه آنان، ج- احساسات زن هنگام مناسک دینی، د- واکنش شوهران بعد از مناسک دینی و ه- تأثیرات بعد مناسکی دین به دست آمده است.

حسینی و علوی لنگرودی (۱۳۹۶)، به این نتیجه دست یافتند که؛ با توجه به اینکه رضایت جنسی یکی از عوامل مهم خوشبختی در زندگی زناشویی محسوب می‌شود و رضایت بخش نبودن آن احساس ناکامی را به همراه خواهد داشت، لذا توجه به انطباق سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های عشق‌ورزی زنان باید در راس برنامه‌های مشاوره‌های قبل از ازدواج قرار گیرد.

ویلانی^۱ و همکارانش (۲۰۱۹)، به این نتایج رسیدند که، تعهد هویت مذهبی به‌طور مثبت رضایت از زندگی را در بین مذهبی‌ها پیش‌بینی می‌کند، اما نه در بین افراد نامطمئن. تفسیری از نتایج و پیامدهای آن‌ها مورد بحث قرار گرفته است. ابتیا و روتلگ^۲ (۲۰۱۸)، با بررسی چگونگی ارتباط تفاوت‌های فردی در نیاز به معنا با باورها و تجربیات دینی گسترش به این نتایج رسیدند که، نیاز به معنا با دین‌داری بالاتر و فراتر از معیارهای معنایی مرتبط و نیز نیاز به تعلق اجتماعی همراه بوده و همبستگی‌های شناختی دین را ایجاد می‌کند.

۴- ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

- مفهوم عشق

«در نگاه نخست، تاریخچه‌ی عشق نشان می‌دهد که عشق، یکی از معمول‌ترین موضوعات ترانه‌ها، شعرها و داستان‌های قدیمی بوده است» (کامکاری، ۱۳۹۰: ۶۵) و «بیانگر دل‌بستگی فیزیکی و

¹ Villani

² Abeyta & Routledge

شخصی متقابلی است که دو نفر نسبت به یکدیگر احساس می‌کنند» (گیدنز، ۱۳۹۴: ۳۲) اما «از آن‌جا که در هر زمان و هر زبان، تعریف واحد و جامعی از عشق وجود ندارد و این مفهوم، همانند واژگان تخصصی ریاضی و فیزیک مختص علم نیست و در مکالمات روزمره مردم حضور دارد، لذا شاهد فراوانی بیش‌ها و گفتمان‌ها در رابطه با تعریف عشق هستیم؛ و پژوهشگران در این حوزه، همیشه با مشکل عدم توصیف دقیق و تخصصی از واژه‌ی عشق مواجه هستند» (برشاید، ۲۰۱۰: ۶).

- مفهوم دینداری

«به دو دلیل، تعریف مفهوم دینداری، پیچیده و مشکل است؛ دلیل اول اینکه دینداری، مترادف با اصطلاحاتی نظیر؛ اعتقاد، ایمان، تقوا، فداکاری و مقدس بودن است؛ که همه‌ی اینها مترادف‌های دینداری و منعکس‌کننده‌ی ابعاد دینداری هستند و به جای اصطلاحاتی که معادل دین به کار می‌روند، استفاده می‌شوند. دلیل دوم این پیچیدگی، این است که در مباحث علمی و دانشگاهی، هر یک از رشته‌ها و مباحث دانشگاهی، از نقاط مختلف به دینداری نزدیک می‌شوند و نقطه‌ی اشتراک مشترکی در تعاریف خود ندارند. به عنوان نمونه در حالی که یک متکلم، دینداری را از دیدگاه ایمان مطرح می‌کند، روانشناسان و جامعه‌شناسان، در تعریف دینداری به ترتیب به ابعادی نظیر؛ فداکاری، قداست و تقوا (روانشناسی) و عضویت و حضور در کلیسا و داشتن دانش اعتقادی و با ایمان زیستن (جامعه‌شناسی) اشاره می‌کنند» (هولدکرفت^۱، ۲۰۰۶: ۸۹). «بدین معنی که فرد دیندار، خود را مقید به رعایت دستورات و توصیه‌های دینی می‌داند. همین تقید و اهتمام او به آموزه‌ها و دستورات دینی، او را از انسان‌های دیگر متمایز می‌سازد. بر این اساس، به دو طریق می‌توان فرد دیندار را از دیگران بازشناخت: نخست، پایبندی و التزام دینی‌اش و دوم، پیامد دینداری و آثار آن در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۵ و ۳۶).

- نظریه‌های مرتبط با عشق‌ورزی

- رویکرد استرنبرگ^۲

استرنبرگ، نظریه‌ای بر مبنای اصول روان‌سنجی برای شناخت ماهیت و اجزای تشکیل‌دهنده عشق ارائه نموده است. عشق در نظریه استرنبرگ، پیوستاری از انگیزه، عاطفه و اندیشه و صمیمیت می‌باشد. «صمیمیت، مؤلفه هیجانی عشق است و مشارکت و تفاهم متقابل و حمایت عاطفی را

1 Holdcraft

2 Sternberg

شامل می‌شود. این مقوله ایجادکننده‌ی گرما و ارتباط عاطفی است. شهوت، مؤلفه انگیزشی عشق و تحریک کننده است و جاذبه‌ی فیزیکی، میل جنسی و احساس عاشق بودن را دربرمی‌گیرد. هرچند نیازهای جنسی در شهوت بسیار مهم هستند، اما سایر نیازها از جمله نیاز اعتمادبه‌نفس و وابستگی نیز ممکن است درگیر باشند. تعهد، مؤلفه شناختی عشق است و شامل تصمیم‌های کوتاه‌مدتی می‌شود که عشق به صورت لحظه‌ای ایجاد می‌کند و تعهد طولانی‌مدت که باعث دوام عشق می‌شود. این قابلیت وجود دارد که مؤلفه‌های عشق باهم ترکیب شده و هفت نوع عشق را، ایجاد نمایند» (ولی‌بیگی، ۱۳۸۶: ۳۰). استرنبرگ، عشق را محصول اشتراکات عقیده‌ای و اندیشه‌ای قلمداد نموده و دوام آن را وابسته به گذر زمان می‌داند.

- نظریه عشق و روابط جنسی مری ایوانز

مری ایوانز^۱ عشق را دو صورت رمانتیک و تجاری طبقه‌بندی کرده و با رویکرد تاریخی، عشق را از قرن ۱۸ تا به امروز، موردبررسی قرار می‌دهد. به عقیده ایوانز «قبل از قرن ۱۸، عشق با ازدواج ارتباط خاصی نداشت و خارج از این چارچوب تعریف می‌شد. پس از قرن ۱۸ برای نخستین بار عشق رمانتیک در جامعه عمومیت یافت و مشارکت فعالانه زنان در زمینه‌های عاطفی آشکار شد. با افزایش حضور عشق رمانتیک و بزرگ‌تر شدن جایگاه آن در اذهان عمومی و همچنین افزایش شکاکیت نسبت به مفهوم ازدواج، ثبات نهاد خانواده تا حدی دچار تزلزل شد. در قرن بیستم ازدواج کاملاً با عشق همراه شد و ازدواج مراسمی پرهزینه و مفصل شد که قرار بود عشق رمانتیک را در خود ایفاء کند. آرمان عشق رمانتیک و عشق به انسان زمینی و ملموس جایگزین عشق به خدا شده بود» (ایوانز، ۱۳۸۶: ۵۴).

- نظریه زیگ رابین^۲

از نظر رابین، عشق سه عنصر دارد. مهم‌ترین این عناصر، صمیمیت عاطفی می‌باشد. «این عنصر، کاملاً با عنصر عاطفی در فرایند نگرش مترادف است و به گونه دقیق الگوبرداری یکسان صورت گرفته است. دومین عنصر دوست داشتن، اعتماد است. اعتماد، به باورهای فراشناختی و اعتقادات افراد معطوف است که چه برداشتی را نسبت به فرد مخاطب اتخاذ می‌کند. از آنجایی که اعتماد کاملاً جنبه‌ی شناختی دارد، با عنصر شناختی در نگرش، هماهنگ می‌باشد. سومین عنصر

¹ Mary Evans

² Zick Robin

دوست داشتن، رفتارهای توأم با احترام و مودبانه است و همچنان که به‌خوبی مشهود است، احترام فقط به‌صورت رفتاری و قابل مشاهده عنوان می‌شود» (کامکاری، ۱۳۹۰: ۲۳).

- نظریه عشق ناب و عرفی شدن دین‌گیدنز

به اعتقاد گیدنز، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مؤلفه در فرآیند عشق، اصل خودمختاری^۱، می‌باشد. تمام مناسبات و روابطی که به شکل رابطه ناب و صمیمانه بروز می‌کنند، به‌نوعی دارای «معاهده»های تلویحی هستند که هریک از طرفین در هر زمان که احساس کند وضعیتی نابرابر به وجود آمده، می‌تواند با استناد به فحوای آن معاهده آن را برهم زده یا موجبات برگشت رابطه به حالت عادلانه را به‌کار گیرد. «گیدنز، عرفی شدن را چنین تعریف می‌کند: فرایندی که طی آن، دین نفوذ خود را بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی از دست می‌دهد». به بیان دیگر، عرفی شدن، فرایند تحول دین و دینداری بر اثر مدرنیته است. به نظر گیدنز مفهوم عرفی شدن ابزار و الگویی است که به ما در توضیح تغییرهای سازمان‌های دینی سستی از دو جنبه قدرت و نفوذ و فرایندهای عرفی ساز در درون دین، کمک می‌کند» (طشت‌زر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۰۷).

- رویکرد نظری وبر به دینداری

آنچه از نظر وبر در مطالعه دین اهمیت دارد، رفتار معنادار انسان دینی است. «سعادت و تولد دوباره‌ای که تجربه کردن آن را همچون ارزشی والا تعقیب می‌کنند، بسته به ماهیت طبقه (قشر) اجتماعی‌ای که آن را می‌پذیرد ضرورتاً و آشکارا انواع متفاوتی داشته است. طبقه شهبانان جنگاور، دهقانان، طبقات سوداگر، و روشنفکران برخوردار از تحصیلات ادبی طبیعتاً گرایش‌های دینی متفاوتی را دنبال کرده‌اند و بدیهی است این گرایش‌ها در ذات خود ماهیت روان‌شناختی دین را تعیین نکرده‌اند، اما تأثیری ماندگار بر آن برجای گذاشته‌اند» (وبر، ۱۳۹۲: ۳۱۷-۳۱۶).

- نظریه پیتر برگر^۲

«به نظر برگر، با تقسیم کار گسترده در جوامع جدید و تخصصی شدن امور و به وجود آمدن نهادها و ساختارهای اجتماعی جدید، زیست‌جهان‌های متعددی در جامعه شکل می‌گیرد؛ به بیان دیگر، جامعه با چندگانه شدن زیست‌جهان‌ها مواجه می‌شود و وظیفه‌ی قدیمی دین، مورد تهدید

¹ Autonomy

² Peter L. Berger

جدی قرار می‌گیرد» (برگر و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۳). اولین پیامد این شرایط متکثر در قلمرو دین، خصوصی شدن آن در بین مردم است؛ بدین معنی که، دین آرام‌آرام از عرصه عمومی جامعه به‌کنار می‌رود. پیامد این وضعیت کم شدن تدریجی نفوذ دین در جامعه می‌باشد.

«از نظر برگر، توضیح اینکه چرا گروه‌ها و حوزه‌های معینی از جامعه جدید بیشتر مستعد عرفی شدن هستند، می‌توان از مفهوم "عقلانی شدن" و بر بهره گرفت. به بیان او، اگرچه دنیوی شدن، ممکن است همچون پدیده‌ای جهانی در جوامع جدید مورد توجه قرار گیرد؛ ولی به طور یکسانی در آنها اشاعه نیافته است و گروه‌های مختلف جمعیت به‌طور متفاوتی از آن متاثر شده‌اند» (نایی و آزاد ارمکی، ۱۳۸۵: ۷۹).

- رویکرد سنجش دین‌داری کاظمی و فرجی

عباس کاظمی و مهدی فرجی (۱۳۹۵) برای سنجش دین‌داری از هفت بعد استفاده کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- اعتقادات دینی: شامل مواردی همچون اعتقاد به خدا، اعتقاد به پیامبر، اعتقاد به قرآن، اعتقاد به وجود شیطان، اعتقاد به عادل بودن خدا، اعتقاد به بهشت و جهنم، اعتقاد به روز قیامت، اعتقاد به امامان شیعه و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی. ۲- اخلاق دینی: شامل میزان رواج دروغ گفتن، غیبت کردن، تهمت زدن، تظاهر کردن، خیانت‌درامانت و رعایت نکردن حقوق دیگران. ۳- مناسک جمعی دینی: شامل میزان حضور در نماز جماعت، نماز جمعه، جلسات قرآن، مراسم شب‌های احیا و برنامه‌های مذهبی مساجد، اعتکاف، جلسات دعا، سفره‌های نذری و هیات‌های مذهبی. ۴- رفتارهای واجب دینی: مربوط به میزان انجام نمازهای واجب، روزه گرفتن، انجام غسل، فطریه دادن، امر به معروف و نهی از منکر و دادن خمس و زکات. ۵- محرّمات دینی: مواردی چون مصرف مشروبات الکلی، انجام سقط جنین، گرفتن بهره پول و حضور در مهمانی‌های مختلط. ۶- رفتارهای مستحبی: مواردی همچون این‌که افراد چقدر صدقه می‌دهند، چقدر نماز مستحبی، نماز شب و نماز اول وقت می‌خوانند، چقدر قرآن و دعا می‌خوانند، چقدر تعقیبات نماز انجام می‌دهند، چقدر استخاره می‌کنند، چقدر نذر می‌دهند و قربانی می‌کنند و ۷- احساسات، عواطف و تجربه دینی: به مضامینی چون احساس ترس از خدا، توبه کردن، تنبیه شدن از سوی خدا، احساس نزدیکی به خدا، احساس حضور خدا، احساس بد‌ناشی از گناه کردن، تنفر از توهین‌کنندگان به پیامبر و قرآن، کشته شدن در راه اسلام، علاقه به گسترش اسلام، ناراحت شدن از اینکه نماز قضا شود و ناراحت شدن از بی‌حجاب دیده شدن مربوط می‌شود.

مؤلفه‌های عشق استرنبرگ عبارت بود از نمره‌ای که آزمودنی‌ها با استفاده از پرسشنامه ۲۷ سوالی، که کوتاه شده پرسشنامه ۴۵ سوالی عشق استرنبرگ بود کسب نمودند. بدین صورت که در هر یک از سه مؤلفه سبک عشق‌ورزی (صمیمیت، میل، تصمیم/ تعهد)، گویه‌ها از شماره ۱ (کاملاً مخالف) تا شماره ۹ (کاملاً موافق) کدگذاری شدند و اگر پاسخگویی به همه سوالات در هر یک از مؤلفه‌های سبک عشق‌ورزی، نمره ۱ می‌داد؛ در مجموع در آن مؤلفه کمترین نمره (۹) را کسب می‌کرد و اگر به همه گویه‌های هر مؤلفه نمره ۹ می‌داد؛ در مجموع در آن مؤلفه بیشترین نمره (۸۱) را کسب می‌کرد. همچنین در صورت دادن عدد ۱ به هر گویه، در مجموع، نمره کل سبک عشق‌ورزی پاسخگویان ۲۷ می‌شد و اگر به هر یک از گویه‌ها عدد ۹ را می‌داد؛ در مجموع نمره کل سبک عشق‌ورزی آن پاسخگو ۲۴۳ می‌شد.

تعریف عملیاتی دین‌داری در این مطالعه، بر اساس سنجهی دین‌داری کاظمی و فرجی بود که در ادامه توضیح داده شده است. پیش از ورود به تعریف عملیاتی دین‌داری این پژوهش باید خاطر نشان کرد که مفهوم دین‌داری یک متغیر ترتیبی بود هر چند برای سهولت در تجزیه و تحلیل داده‌ها، به شکل تصنعی به سطح فاصله‌ای ارتقا داده شد. در مدل نظری پژوهش حاضر، دین‌داری را در هفت بعد در نظر گرفتیم: اعتقادات دینی، اخلاق دینی، مناسک جمعی دینی، رفتارهای دینی واجب، محرمات دینی، رفتارهای مستحبی دینی و احساسات، عواطف و تجربه‌های دینی.

در این پژوهش، دین‌داری افراد عبارت بود از نمره‌ای که پاسخگویان با استفاده از پاسخ به پرسشنامه دین‌داری کاظمی و فرجی کسب نمودند. بدین صورت که در هر یک از ابعاد دین‌داری که با استفاده از طیف لیکرت طراحی شده بود، اگر پاسخگویان به همه گویه‌ها عدد ۱ (کاملاً مخالف) می‌دادند، در مجموع نمره کل دین‌داری آن‌ها ۳۷ می‌شد و اگر به همه گویه‌ها عدد ۵ (کاملاً موافق) می‌دادند، در مجموع نمره کل دین‌داری آن‌ها ۱۸۱ می‌شد.

سنجه کاظمی و فرجی نخستین بار در پیمایش ملی دین‌داری ایرانیان که به کارفرمایی سازمان تبلیغات اسلامی اجرا شد در سال ۱۳۸۹ در میان نمونه‌ای بالغ بر ۱۸ هزار نفر، به محک تجربه درآمد. این سنجه برای دومین بار در موج دوم همین پیمایش ملی در سال ۱۳۹۵ اجرا شد. این آخرین پیمایش ملی دین‌داری ایرانیان بوده است که با نمونه‌ای حدود ۵ هزار نفر به انجام رسیده است.

جدول ۱. مدل سنجش دین‌داری در سنجه کاظمی و فرجی (کاظمی و فرجی، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

ابعاد دین‌داری	شاخص‌های دین‌داری
بعد اعتقادی	اصول دین و باورهای بنیادین: باور داشتن به گزاره‌های اساسی دین مانند اعتقاد به خداوند، اعتقاد به رسالت پیامبر، باور داشتن به روز قیامت، اعتقاد به قرآن، اعتقاد به بهشت و جهنم، اعتقاد به وجود شیطان و فرشتگان، اعتقاد به امامت
عواطف و تجربه‌های دینی	۱. تجربه‌های دینی: احساس نزدیکی با خدا، احساس حضور خدا، احساس ترس از خدا، احساس توبه، احساس مواخذه شدن از سوی خدا، احساس منفی در برابر گناه ۲. تعلقات و تعصبات دینی: دل‌بستگی به اسلام و قرآن و مسلمانان، احساس ناخوشایند در برابر عدم انجام اعمال دینی
مناسک و رفتارهای دینی	۱. رفتارهای واجب دینی نمازهای واجب، روزه گرفتن در ماه رمضان، انجام غسل و اجب، امور به معروف و نهی از منکر، پرداخت زکات، فطره و خمس، رعایت حجاب ۲. محرمات دینی اخلاقیات دینی: یا محرمات اخلاقی (دروغ گفتن، تظاهر، ریاکاری، تهمت، غیبت، عدم رعایت حقوق دیگران) رعایت شریعات: سقط‌جنین، ربا، مشروبات الکلی، رعایت محرم و نامحرم
۳. مستحبات	رفتارهای مستحبی دینی (فردی): خواندن قرآن و دعا، خواندن نماز اول وقت، خواندن نماز مستحبی، گرفتن روزه مستحبی، خواندن نماز شب، دادن صدقه، نذر کردن، قربانی کردن مناسک جمعی: شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه، شرکت در جلسات دعا و قرآن، شرکت در مراسم مذهبی مانند عاشورا و شب قدر، شرکت در جلسات ختم انعام و سفره نذری و ...

در موج دوم مدرنیته که در آن، قواعد و رسوم و سنت، دیگر کاربردی ندارند و جامعه‌ی صنعتی در حال ناپدید شدن است شاهد نوع دیگری از عشق هستیم که در آن افراد از قیدوبندها آزاد شده و همه‌ی افراد (زن و مرد، مجرد و متأهل) و فارغ از فضا و زمان و از طریق اینترنت و فضای مجازی می‌توانند به هرکس که دوست دارند عشق بورزند و البته چون همه‌چیز در فضای مجازی، سیال و ناپایدار است، هیچ‌گونه تعهدی به یکدیگر در این عشق ندارند و هر لحظه که بخواهند می‌توانند به این رابطه خاتمه دهند. از سوی دیگر و از آنجاکه یکی از متغیرهای دیگر این تحقیق؛ دین‌داری است، در تعریف آن باید گفت که دین‌داری، سیستم پیچیده‌ای از باورها، سبک زندگی و فعالیت مذهبی در زندگی افراد، عنوان عامی است که به هر فردی که ارزش‌ها و نگرش‌های دینی در او متجلی باشد، گفته می‌شود؛ و دارای ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی در نظریات مختلف است. در جوامع سنتی، دین‌داری افراد را طبقه‌ی اجتماعی آن‌ها تعیین می‌کرد و هر چه فرد طبقه‌ی اجتماعی پایین‌تری داشت برای نزدیک شدن به خداوند بیشتر به مفهوم جادو و خرافه متوسل می‌شدند. اما با ظهور علم‌گرایی و افزایش سطح تحصیلات افراد، افراد سعی در درک و شناخت خداوند از راه عقل و خرد خود نمودند؛ و همین پیدایش علوم و فنون در جامعه سبب شد تا به تدریج نقش دین در زندگی افراد کمرنگ‌تر شود و شاهد بروز پدیده‌ی عرفی شدن و کاهش نقش دین در زندگی افراد در جامعه (به‌ویژه افراد تحصیل‌کرده) باشیم.

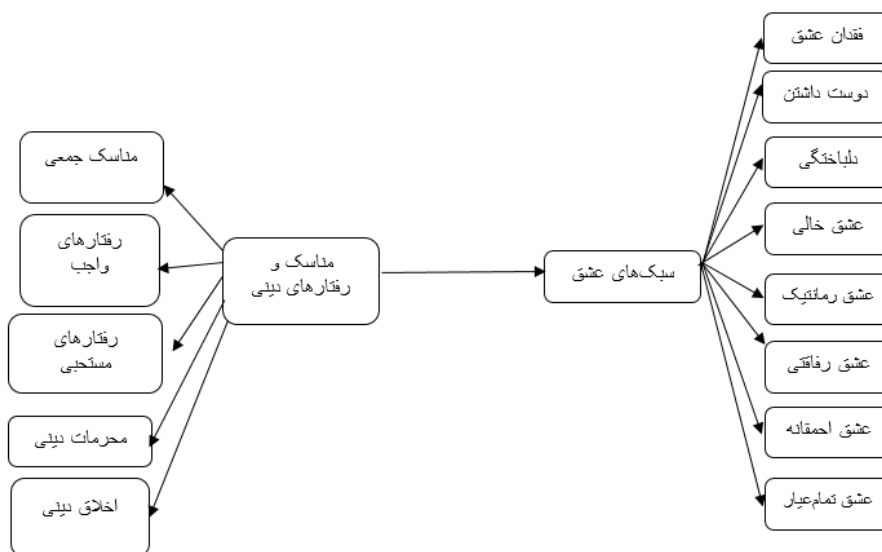
از سوی دیگر، همواره مفهوم عشق در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان وجود داشته و از اهمیتی انکارناپذیر در روابط انسانی و ساختار زندگی اجتماعی برخوردار بوده است، اما برخلاف ازدواج که می‌توان آن را به شکل یک نهاد عینی مشاهده کرد؛ به دلیل اینکه پدیده‌ی ذهنی است و هرکس تجربه‌ی خاص خود را از این پدیده دارد، به‌صورت جدی مورد بحث جامعه‌شناسان اولیه نبوده است و تنها ماکس وبر است که به بررسی پدیده‌ی عشق از دیدگاه جامعه‌شناسی دینی می‌پردازد و از آن با عنوان عشق برادرانه نام می‌برد. مقصود از عشق برادرانه عشق به همه‌ی افراد بشر و فارغ از جنسیت آن‌هاست و به‌قصد کمک به انسان‌ها صورت می‌گیرد، تا قبل از ظهور سرمایه‌داری مدرن در جوامع رایج بود. با ظهور سرمایه‌داری مدرن و به‌تبع آن گسترش فردگرایی و سکولاریزاسیون و شکل‌گیری دیوان‌سالاری در جامعه‌ی مدرن، مفهوم عشق برادرانه از بین رفت و عشق اروتیک و نفسانی و پیوستن به روح فردی دیگر از جنس مخالف شکل گرفت. درحالی‌که در جامعه‌ی سنتی، بیشتر ازدواج‌ها برای حفظ مالکیت زمین و پرورش و نگهداری از فرزندان

شکل می‌گرفت و دین ازدواج را یک امر ضروری برای حفظ جامعه می‌دانست، با ظهور مدرنیته و جامعه‌ی سکولار، شاهد بروز عشق‌های رمانتیک؛ بر پایه‌ی تعهد و صمیمیت عاطفی بین افراد و سبک‌های مختلف عشق‌ورزی از سوی افراد مختلف هستیم. در حقیقت باید گفت که برخلاف جامعه‌ی سنتی که در آن افراد هیچ‌گونه آزادی و اختیاری در انتخاب شریک زندگی خود نداشتند و ازدواجشان فرمایشی و تنظیم شده از سوی والدینشان بود؛ ظهور جامعه‌ی مدرن که در نتیجه آن زنان به استقلال اقتصادی رسیدند و سلطه‌ی مردان بر آن‌ها به واسطه‌ی این استقلال کاهش یافت و زنان در امر انتخاب همسر آزادی پیدا کردند توانستند عشق را تجربه کنند.

همچنین به دلیل اینکه، این پژوهش در جامعه‌ی ایران انجام می‌شود و عشق‌ورزی و داشتن روابط عاشقانه به‌جز در امر ازدواج؛ حالت رسمی ندارد، بنابراین محقق در این پژوهش امکان انطباق روابط عاشقانه خارج از ازدواج را با گونه‌های عشق‌ورزی را ندارد؛ پس به همین خاطر، به عشق‌هایی که در بحث ازدواج مطرح شدند و روی متأهلین تأثیر می‌گذارند را مورد بررسی قرار می‌دهد. از آنجایی که در میان نظریات مطرح شده در مورد عشق‌ورزی، هریک نوعی از عشق‌ورزی را مطرح نمودند و کامل‌ترین و جامع‌ترین نظریات مطرح شده در حوزه‌ی عشق‌ورزی، از سوی رابرت استرنبرگ؛ با ۸ بعد سبک‌های عشق‌ورزی در میان متأهلین، ارائه شده است، به همین دلیل در این پژوهش از نظریه‌ی استرنبرگ در بخش چارچوب نظری و مدل پژوهش استفاده می‌شود. همچنین در بخش مربوط به مدل‌های سنجش دین‌داری داخلی نیز، جامع‌ترین مدل مربوط به سنجه‌ی دین‌داری کاظمی و فرجی (با ۷ بعد) می‌باشد، لذا تمرکز اصلی این پژوهش در قسمت ارایه‌ی مدل نظری، استفاده از سبک‌های عشق‌ورزی استرنبرگ در زمینه‌ی عشق و سنجه‌ی دین‌داری کاظمی و فرجی در زمینه‌ی ابعاد دین‌داری می‌باشد.

- مدل نظری پژوهش

از میان نظریات زیادی که در مورد سبک‌های عشق‌ورزی و ابعاد دین‌داری وجود دارد، تمرکز اصلی این پژوهش در قسمت ارایه‌ی مدل نظری، استفاده از سبک‌های عشق‌ورزی استرنبرگ در زمینه‌ی عشق و سنجه‌ی دین‌داری کاظمی و فرجی در زمینه‌ی مناسک و رفتارهای دینی می‌باشد و مدل این پژوهش بر اساس نظریه استرنبرگ و مدل دین‌داری کاظمی و فرجی ترسیم شده است.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

فرضیات پژوهش عبارت است از:

- ۱- انجام مناسک جمعی بر سبک عشق‌ورزی تأثیر دارد.
- ۲- انجام رفتارهای واجب دینی بر سبک عشق‌ورزی تأثیر دارد.
- ۳- رعایت محرمات دینی بر سبک عشق‌ورزی تأثیر دارد.
- ۴- داشتن اخلاق دینی بر سبک عشق‌ورزی تأثیر دارد.
- ۵- انجام رفتارهای مستحبی بر سبک عشق‌ورزی تأثیر دارد.

- روش تحقیق

داده‌های اصلی پژوهش با استفاده از روش پیمایش گردآوری شدند. این مطالعه یک نوع مطالعه برای بررسی یک موضوع در یک مقطع زمانی بود، یک نوع تحقیق مقطعی محسوب شد. درعین حال، از آنجاکه در پی جمع‌آوری داده‌های کمی باهدف تعمیم این نتایج به کل جامعه مورد مطالعه بودیم، یک نوع پیمایش به شمار آمد. بنابراین، برای گردآوری اطلاعات اصلی از مهم-ترین ابزار سنجش کمی پیمایشی، یعنی پرسشنامه استفاده شد. همچنین بررسی و توصیف متغیرهای تحقیق و میزان آن‌ها در پی کشف و تحلیل رابطه آن‌ها بود، لذا مطالعه ما در زمره مطالعات تبیینی قرار گرفت، که مبتنی بر اهداف و تعریف عملیاتی متغیرها بود.

در این پژوهش، داده‌های حاصل از پرسشنامه به دلیل هدف پژوهش و نیاز به تعمیم با توجه

به چارچوب مطالعات کمی تجربی و روش پیمایشی با استفاده از آزمون‌های توصیفی و استنباطی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. حجم نمونه شامل ۳۰۰ نفر می‌باشد که با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بخش‌های شمال، مرکز، شرق، غرب و جنوب تهران، انتخاب گردیدند. تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از آزمون‌های توصیفی و استنباطی، انجام شد. آزمون‌های توصیفی برای ارایه‌ی تصویری از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و توصیف شاخص‌های دین‌داری و الگوی عشق-ورزی شهروندان استفاده می‌شود و آزمون‌های استنباطی برای تحلیل روابط بین متغیرها، به‌ویژه تأثیر ابعاد دین‌داری بر انواع عشق‌ورزی و همچنین تحلیل روابط متغیرهای میانجی، بین متغیرهای مستقل و وابسته‌ی اصلی، استفاده خواهد شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات، در این سطح با استفاده از نرم‌افزار *Spss* انجام می‌شود. علاوه بر این، برای تحلیل معادلات ساختاری حاکم بر روابط بین متغیرها از تحلیل معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار *Amos* استفاده شد.

۵- یافته‌های پژوهش

- توصیف شاخص عشق‌ورزی پاسخگویان

نتایج مربوط به توصیف شاخص عشق‌ورزی پاسخگویان پژوهش، بیانگر این است که در میان زنان پاسخگو، بالاترین درصد فراوانی (۶۶,۹ درصد؛ ۱۲۹ نفر) مربوط به کسانی است که شاخص کل عشق‌ورزی‌شان در حد خیلی زیاد است؛ و کمترین درصد فراوانی (۱,۳ درصد؛ ۲ نفر) هم مربوط به پاسخگویانی است که شاخص کل عشق‌ورزی‌شان در حد متوسط است. همچنین در میان مردان پاسخگو نیز، بالاترین درصد فراوانی (۶۳,۷ درصد؛ ۹۳ نفر) مربوط به کسانی است که شاخص کل عشق‌ورزی‌شان در حد خیلی زیاد است و کمترین درصد فراوانی (۱,۴ درصد؛ ۲ نفر) هم مربوط به پاسخگویانی است که شاخص کل عشق‌ورزی‌شان در حد کم است. از سوی دیگر، میانگین‌ها نشان می‌دهد که شاخص کل عشق‌ورزی زنان متأهل پاسخگوی این پژوهش (۷۷,۴) از شاخص کل عشق‌ورزی مردان متأهل پاسخگو (۷۵,۵) بیشتر است. صمیمیت مثلث عشق استرنبرگ ۸۴,۴ درصد (۱۳۰ نفر) از زنان پاسخگو، در حد زیاد و خیلی زیاد و مؤلفه میل از مثلث عشق ۸۳,۸ درصد (۱۲۹ نفر) از آن‌ها، در حد زیاد و خیلی زیاد است. همچنین مؤلفه تصمیم/تعهد از مثلث عشق ۸۴,۴ درصد (۱۳۰ نفر) از پاسخگویان زن متأهل، در حد زیاد و خیلی زیاد است. میانگین‌ها نشان داد که مؤلفه میل در میان زنان متأهل پاسخگوی این

پژوهش، بالاترین میزان میانگین (۷۶,۳ درصد) را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، توصیف شاخص عشق‌ورزی مردان متأهل پاسخگوی این پژوهش، نشان داد که مؤلفه تصمیم/تعهد مثلث عشق استرنبرگ ۸۴,۹ درصد (۱۲۴ نفر) از آن‌ها در حد زیاد و خیلی زیاد و مؤلفه صمیمیت از مثلث عشق ۷۹,۴ درصد (۱۱۶ نفر) از آن‌ها، در حد زیاد و خیلی زیاد است. همچنین مؤلفه میل از مثلث عشق ۸۲,۲ درصد (۱۲۰ نفر) از پاسخگویان مرد متأهل، در حد زیاد و خیلی زیاد است. همچنین، میانگین‌ها نشان داد که مؤلفه تصمیم/تعهد در میان مردان پاسخگو، بالاترین میزان میانگین (۶۴,۹ درصد) را به خود اختصاص داده است. همچنین، مقایسه میانگین‌های مؤلفه‌های عشق استرنبرگ در میان زنان و مردان نشان می‌دهد که در هر سه مؤلفه صمیمیت (۶۳,۹ درصد از زنان در مقابل ۶۲,۸ درصد از مردان)، میل (۷۶,۳ درصد از زنان در مقابل ۶۲,۵ درصد از مردان) و تصمیم/تعهد (۶۶,۳ درصد از زنان در مقابل ۶۴,۹ درصد از مردان)؛ زنان میانگین‌های بالاتری را کسب نموده‌اند.

- توصیف شاخص دین‌داری پاسخگویان

نتایج مربوط به توصیف شاخص دینداری پاسخگویان بیانگر این است که در میان زنان، بالاترین درصد فراوانی (۴۲,۹ درصد: ۶۶ نفر) مربوط به کسانی است که شاخص کل دین‌داری‌شان در حد زیاد است؛ و کمترین درصد فراوانی (۰,۶ درصد؛ ۱ نفر) هم مربوط به پاسخگویی است که شاخص کل دین‌داری‌شان در حد خیلی کم است. همچنین در میان مردان پاسخگو نیز، بالاترین درصد فراوانی (۳۸,۴ درصد؛ ۵۶ نفر) مربوط به کسانی است که شاخص کل دین‌داری‌شان در حد زیاد است؛ و کمترین درصد فراوانی (۲۴,۰ درصد؛ ۳۵ نفر) هم مربوط به پاسخگویانی است که شاخص کل دین‌داری‌شان در حد خیلی زیاد است. از سوی دیگر، میانگین‌ها نشان می‌دهد که شاخص کل دین‌داری زنان پاسخگو (۶۸,۱) از شاخص کل دین‌داری مردان پاسخگو (۶۷,۵) بیشتر است. از سوی دیگر، توصیف شاخص دینداری پاسخگویان به تفکیک ابعاد آن نشان داد که در میان زنان پاسخگو ۱۳۸ نفر (۸۹,۶ درصد) بُعد اعتقادات دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد؛ ۱۳۱ نفر (۸۵,۱ درصد) بُعد احساسات، عواطف و تجربه دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد؛ و ۱۲۵ نفر (۸۱,۱ درصد) از آنها نیز، بُعد اخلاق دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد. همچنین، ۱۰۹ نفر (۷۰,۸ درصد) از زنان پاسخگو، بُعد رفتارهای دینی واجبشان در حد زیاد و خیلی زیاد و ۸۵ نفر (۵۵,۲ درصد) از آن‌ها نیز، بُعد دوری از محرّمات دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد بود. از سوی دیگر، ۸۰ نفر (۵۲ درصد) از پاسخگویان زن،

بُعد مناسک و رفتارهای دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد؛ و ۷۳ نفر (۴۷,۴ درصد) از پاسخگویان، بُعد رفتارهای مستحبی دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد بود. همچنین ۱۳۵ نفر (۹۲,۵ درصد) از مردان متأهل پاسخگو، بُعد اعتقادات دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد؛ ۱۲۶ نفر (۸۶,۳ درصد) از آنها، بُعد احساسات، عواطف و تجربه دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد؛ و ۱۲۳ نفر (۸۴,۳ درصد) از پاسخگویان مرد، بُعد اخلاق دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد. همچنین در میان مردان پاسخگوی این پژوهش، ۹۷ نفر (۶۶,۵ درصد) بُعد رفتارهای دینی واجبه‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد و ۷۵ نفر (۵۱,۴ درصد) از آن‌ها نیز، بُعد دوری از محرّمات دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد بود. از سوی دیگر، ۷۳ نفر (۵۰ درصد) از پاسخگویان مرد، بُعد مناسک و رفتارهای دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد؛ و ۶۴ نفر (۴۳,۸ درصد) از مردان، بُعد رفتارهای مستحبی دینی‌شان در حد زیاد و خیلی زیاد بود. از سوی دیگر، میانگین‌ها نشان می‌دهد که در ابعاد مناسک و رفتارهای دینی (۵۵,۸ درصد زنان و ۵۴,۵ درصد مردان)، رفتارهای دینی واجب (۶۷,۰ درصد زنان و ۶۵,۵ درصد مردان)، محرّمات دینی (۶۲,۶ درصد زنان و ۵۸,۹ درصد مردان) و رفتارهای مستحبی دینی (۵۳,۵ درصد زنان و ۵۲,۳ درصد مردان)، زنان متأهل پاسخگو، میانگین نمراتشان بیشتر است؛ درحالی‌که در سه بُعد دیگر (احساسات، عواطف و تجربه دینی (۸۰,۷ درصد مردان و ۷۹,۱ درصد زنان)، اعتقادات دینی (۸۲,۷ درصد مردان و ۸۲,۰ درصد زنان)، و اخلاق دینی (۷۵,۹ درصد مردان و ۷۵,۴ درصد زنان)) مردان متأهل، میانگین نمراتشان بیشتر است. با توجه به اینکه، هدف کلی پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری و ابعاد آن بر سبک‌های عشق‌ورزی شهروندان تهرانی، می‌باشد، در این مقاله، به سنجش تأثیر ابعاد عملی و رفتاری دین‌داری پرداخته شده است.

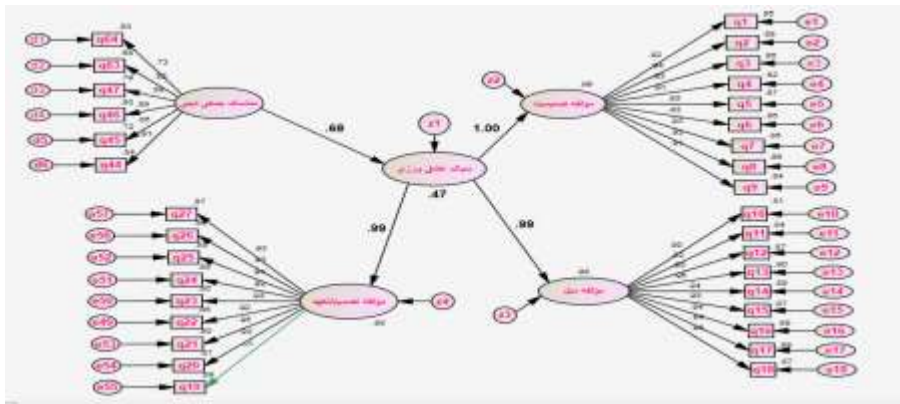
– رابطه مناسک جمعی دینی با سبک عشق‌ورزی افراد

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل رابطه‌ی مناسک جمعی دینی با سبک عشق‌ورزی افراد، نشان می‌دهد که این مدل، دارای برازش مطلوب با داده‌ها می‌باشد.

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل مناسک جمعی دینی با سبک عشق‌ورزی

شاخص برازش	توضیحات	معیار قابل قبول	مدل ساختاری
<i>CMIN/DF</i>	کای اسکور نسبی مدل	≤ 3	۲,۳۶
<i>CFI</i>	شاخص برازش تطبیقی مدل	$\geq 0,90$	۰,۹۶
<i>PCFI</i>	شاخص برازش تطبیقی مقصد (ساده) مدل	$\geq 0,50$	۰,۸۹
<i>RMSEA</i>	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد مدل	$\leq 0,08$	۰,۰۷

متغیر مناسک جمعی دینی با ضریب استاندارد ۰,۶۸ و ضریب تعیین ۰,۴۷ در جامعه‌ی آماری، اثر قوی‌ای بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که وزن‌های رگرسیونی برآورد شده دارای تفاوت معنی‌دار با صفر هستند؛ بنابراین، فرضیه‌ی مناسک جمعی دینی افراد بر سبک عشق‌ورزی آن‌ها مؤثر است، تأیید می‌شود. بدین معنی که با افزایش شرکت افراد در مناسک جمعی دینی در جامعه آماری، میزان کل سبک عشق‌ورزی آن‌ها افزایش می‌یابد. پاسخگویان عقیده دارند شرکت در مناسک جمعی دینی، می‌تواند عشق‌ورزی افراد را متأثر نماید.



شکل ۲. مدل معادله ساختاری برای مناسک جمعی دینی و سبک عشق‌ورزی به همراه وزن‌های رگرسیونی

– رابطه انجام رفتارهای دینی واجب با سبک عشق‌ورزی افراد

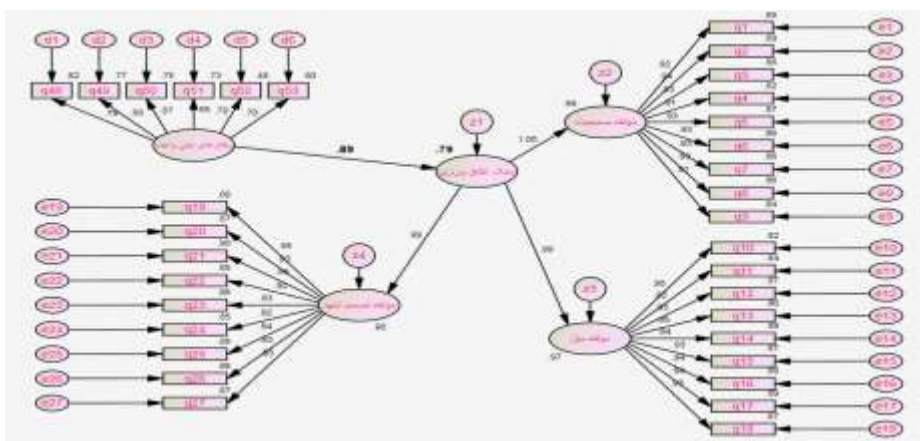
نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل رابطه‌ی مناسک جمعی دینی با سبک عشق‌ورزی افراد، نشان می‌دهد که این مدل، دارای برازش مطلوب با داده‌ها می‌باشد.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش مدل انجام رفتارهای دینی واجب با سبک عشق‌ورزی

شاخص برازش	توضیحات	معیار قابل قبول	مدل ساختاری
CMIN/DF	کای اسکوئر نسبی مدل	≤ 3	۲,۷۵
CFI	شاخص برازش تطبیقی مدل	≥ 0.90	۰,۹۵
PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقصد (ساده) مدل	≥ 0.50	۰,۸۸
RMSEA	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد مدل	≤ 0.08	۰,۰۸

انجام رفتارهای دینی واجب با ضریب استاندارد ۰,۸۹ و ضریب تعیین ۰,۷۹ در جامعه‌ی آماری، اثر قوی‌ای بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که وزن‌های رگرسیونی برآورد شده دارای تفاوت معنی‌دار با صفر هستند؛ بنابراین، فرضیه‌ی رفتارهای دینی واجب بر سبک عشق‌ورزی افراد مؤثر است، تأیید می‌شود. بدین معنی که با افزایش انجام رفتارهای دینی

واجب افراد در جامعه آماری، میزان کل سبک عشق‌ورزی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. انجام رفتارهای واجب دینی، اگر به عنوان یک تعهد دینی در نظر گرفته شود، می‌تواند به‌عنوان تمرینی اثرگذار برای تعهدمندی افراد در رفتارهای عاشقانه نیز به شمار می‌رود.



شکل ۳. مدل معادله ساختاری رفتارهای دینی واجب و سبک عشق‌ورزی به همراه وزن‌های رگرسیونی

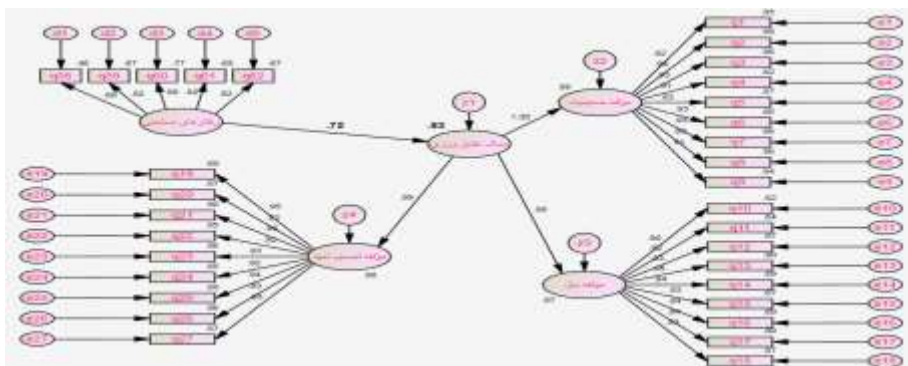
- رابطه رفتارهای مستحبی دینی با سبک عشق‌ورزی افراد

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل رابطه‌ی رفتارهای مستحبی دینی با سبک عشق‌ورزی افراد، نشان می‌دهد که این مدل، دارای برازش مطلوب با داده‌ها می‌باشد.

جدول ۴. شاخص‌های نیکویی برازش مدل رفتارهای مستحبی دینی با سبک عشق‌ورزی

شاخص برازش	توضیحات	معیار قابل قبول	مدل ساختاری
CMIN/DF	کای اسکوتر نسبی مدل	≤ 3	۲,۳۷
CFI	شاخص برازش تطبیقی مدل	$\geq 0,90$	۰,۹۶
PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد (ساده) مدل	$\geq 0,50$	۰,۸۹
RMSEA	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد مدل	$\leq 0,08$	۰,۰۷

انجام رفتارهای مستحبی دینی با ضریب استاندارد ۰,۷۲ و ضریب تعیین ۰,۵۳ در جامعه آماری، اثر قوی‌ای بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که وزن‌های رگرسیونی برآورد شده دارای تفاوت معنی‌دار با صفر هستند؛ بنابراین، فرضیه‌ی رفتارهای مستحبی دینی بر سبک عشق‌ورزی افراد مؤثر است تایید می‌شود. بدین معنی که با افزایش انجام رفتارهای مستحبی دینی افراد در جامعه آماری، میزان کل سبک عشق‌ورزی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.



شکل ۴- مدل معادله ساختاری رفتارهای مستحبی دینی و سبک عشق‌ورزی به همراه وزن‌های رگرسیونی

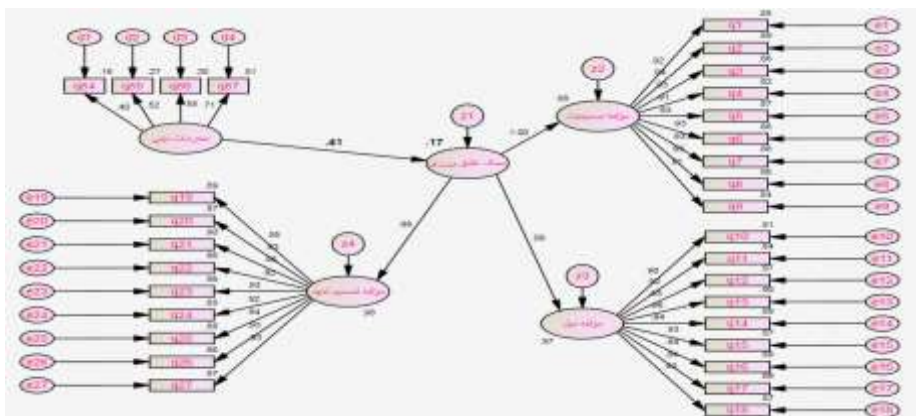
- رابطه تقید به دوری از محرمات دینی با سبک عشق‌ورزی افراد

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل رابطه‌ی رفتارهای مستحبی دینی با سبک عشق‌ورزی افراد، نشان می‌دهد که این مدل دارای برازش مطلوب با داده‌ها می‌باشد.

جدول ۵- شاخص‌های نیکویی برازش مدل تقید به دوری از محرمات دینی با سبک عشق‌ورزی

شاخص برازش	توضیحات	معیار قابل قبول	مدل ساختاری
CMIN/DF	کای اسکوتر نسبی مدل	≤ 3	۲,۲۵
CFI	شاخص برازش تطبیقی مدل	$\geq 0,90$	۰,۹۶
PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقصد (ساده) مدل	$\geq 0,50$	۰,۸۹
RMSEA	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد مدل	$\leq 0,08$	۰,۰۶

تقید به دوری از محرمات دینی با ضریب استاندارد ۰,۴۱ و ضریب تعیین ۰,۱۷ در جامعه‌ی آماری، اثر متوسطی بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که وزن‌های رگرسیونی برآورد شده دارای تفاوت معنی‌دار با صفر هستند؛ بنابراین، فرضیه‌ی محرمات دینی بر سبک عشق‌ورزی افراد مؤثر است، تایید می‌شود. بدین معنی که با افزایش تقید به دوری از محرمات دینی در بین افراد جامعه آماری، میزان کل سبک عشق‌ورزی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. عشق‌ورزی مقوله‌ای است که با رفتارهای شهوانی و توأم با نگاه ابزاری و جنسی تفاوت دارد. بنابراین، تقید به دوری از محرمات دینی، باعث ایجاد و تقویت نگاه معصومانه و به دور از جنبه‌های شهوانی در روابط عاشقانه گردیده و آن را تقویت می‌کند.



شکل ۵- مدل معادله ساختاری محرّمات دینی و سبک عشق‌ورزی به همراه وزن‌های رگرسیونی

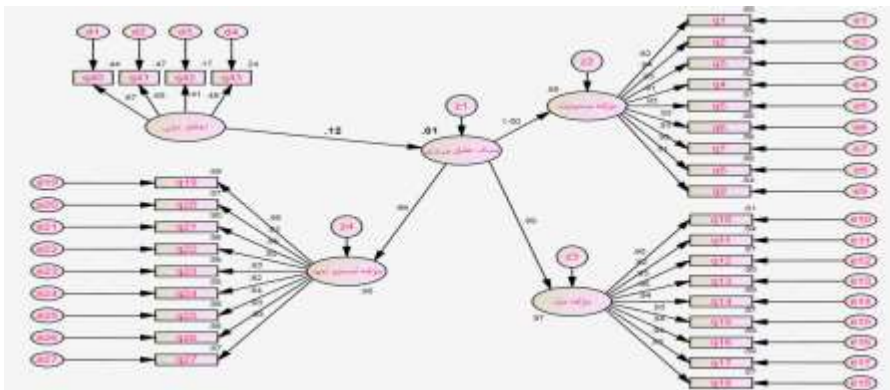
– رابطه اخلاق دینی با سبک عشق‌ورزی افراد

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل رابطه‌ی اخلاق دینی با سبک عشق‌ورزی افراد، نشان می‌دهد که این مدل، دارای برازش مطلوب با داده‌ها می‌باشد.

جدول ۶- شاخص‌های نیکویی برازش مدل اخلاق دینی با سبک عشق‌ورزی و سطح قابل قبول آن‌ها

شاخص برازش	توضیحات	معیار قابل قبول	مدل ساختاری
<i>CMIN/DF</i>	کای اسکور نسبی مدل	≤ 3	۲,۲۶
<i>CFI</i>	شاخص برازش تطبیقی مدل	$\geq 0,90$	۰,۹۶
<i>PCFI</i>	شاخص برازش تطبیقی مقتصد (ساده) مدل	$\geq 0,50$	۰,۸۹
<i>RMSEA</i>	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد مدل	$\leq 0,08$	۰,۰۶

وزن رگرسیونی برآورد شده اخلاق دینی بر سبک عشق‌ورزی دارای تفاوت معنی‌دار با صفر نیست؛ بنابراین، فرضیه‌ی اخلاق دینی افراد بر سبک عشق‌ورزی آن‌ها مؤثر است، رد می‌شود. بدین معنی که با بالا رفتن سطح اخلاق دینی افراد در جامعه‌ی آماری، میزان کل سبک عشق‌ورزی آن‌ها، به میزان اندکی (۰,۱۲) افزایش می‌یابد؛ که این افزایش به لحاظ آماری، معنادار نیست. به بیانی دیگر، ارتباطی بین رعایت اخلاق دینی با سبک عشق‌ورزی در بین جامعه آماری پژوهش، مشاهده نمی‌شود.



شکل ۶- مدل معادله ساختاری برای اخلاق دینی و سبک عشق‌ورزی به همراه وزن‌های رگرسیونی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش به طور خلاصه شامل تأثیر همه مؤلفه‌های بعد عملی دینداری، به جز اخلاق دینی، بر عشق‌ورزی بود.

- نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری، نشان داد که متغیر مناسک جمعی دینی با ضریب استاندارد ۰,۶۸ و ضریب تعیین ۰,۴۷، در جامعه آماری، اثر قوی‌ای بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛ که با توجه به نتایج مقدار نسبت بحرانی مناسک جمعی دینی بر سبک عشق‌ورزی که بزرگ‌تر از ۱,۹۶ (۱۳,۱۲) بود و همچنین، سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰,۰۵، این نتیجه گرفته شد که وزن رگرسیونی برآورد شده مناسک جمعی دینی بر سبک عشق‌ورزی، دارای تفاوت معنی‌دار با صفر بوده؛ و فرضیه‌ی مناسک جمعی دینی افراد بر سبک عشق‌ورزی آن‌ها مؤثر است، تأیید شد.

- نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری، نشان داد که انجام رفتارهای دینی واجب با ضریب استاندارد ۰,۸۹ و ضریب تعیین ۰,۷۹، در جامعه آماری، اثر قوی‌ای بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛ که با توجه به نتایج مقدار نسبت بحرانی رفتارهای دینی واجب، بر سبک عشق‌ورزی که بزرگ‌تر از ۱,۹۶ (۱۷,۳۹) بود و همچنین، سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰,۰۵، این نتیجه گرفته شد که وزن رگرسیونی برآورد شده رفتارهای دینی واجب، بر سبک عشق‌ورزی، دارای تفاوت معنی‌دار با صفر بوده؛ و فرضیه‌ی رفتارهای دینی واجب بر سبک عشق‌ورزی افراد مؤثر است، تأیید شد.

- نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری، نشان داد که انجام رفتارهای مستحبی دینی با ضریب استاندارد ۰,۷۲ و ضریب تعیین ۰,۵۳، در جامعه آماری، اثر قوی‌ای بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛

که با توجه به نتایج مقدار نسبت بحرانی رفتارهای مستحبی دینی بر سبک عشق‌ورزی، که بزرگ‌تر از ۱,۹۶ (۱۳,۲۷) بود و همچنین، سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰,۰۵، این نتیجه گرفته شد که وزن رگرسیونی برآورد شده رفتارهای مستحبی دینی بر سبک عشق‌ورزی، دارای تفاوت معنی‌دار با صفر بوده و فرضیه‌ی رفتارهای مستحبی دینی بر سبک عشق‌ورزی افراد مؤثر است، تایید شد.

- نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری، نشان داد که تقید به دوری از محرمات دینی (رعایت شریعت) با ضریب استاندارد ۰,۴۱ و ضریب تعیین ۰,۱۷ در جامعه‌ی آماری، اثر متوسطی بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛ که با توجه به نتایج مقدار نسبت بحرانی تقید به دوری از محرمات دینی بر سبک عشق‌ورزی، که بزرگ‌تر از ۱,۹۶ (۶,۰۲) بود و همچنین، سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰,۰۵، این نتیجه گرفته شد که وزن رگرسیونی برآورد شده تقید به دوری از محرمات دینی بر سبک عشق‌ورزی، دارای تفاوت معنی‌دار با صفر بوده؛ و فرضیه‌ی محرمات دینی بر سبک عشق‌ورزی افراد مؤثر است، تأیید شد.

- نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری، نشان داد که متغیر اخلاق دینی، با ضریب استاندارد ۰,۱۲ و ضریب تعیین ۰,۰۱ در جامعه‌ی آماری، اثر ضعیفی بر متغیر سبک عشق‌ورزی دارد؛ که با توجه به نتایج مقدار نسبت بحرانی اخلاق دینی بر سبک عشق‌ورزی که دارای مقدار کوچک‌تر از ۱,۹۶ (۱,۷۱) بود و همچنین، سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰,۰۵، این نتیجه به دست آمد که وزن رگرسیونی برآورد شده اخلاق دینی بر سبک عشق‌ورزی دارای تفاوت معنی‌دار با صفر نبوده؛ و فرضیه‌ی اخلاق دینی افراد بر سبک عشق‌ورزی آن‌ها مؤثر است، رد شد.

بر اساس یافته‌های به دست آمده، مشاهده می‌شود که بیشترین تأثیر بر عشق‌ورزی را رفتارهای دینی واجب داشته‌اند. در مقابل، مؤلفه اخلاق دینی تأثیر معناداری نشان نداده است. مناسک و رفتارهای دینی در سطحی قوی بر روی سبک عشق‌ورزی اثرگذار بوده و علی‌رغم آنکه نهاد دین در ایران امروز تحت‌الشعاع عرفی شدن قرار دارد، اما تأثیر خود را همچنان بر روی استحکام بنیان خانواده و عشق‌ورزی بین زوجین حفظ نموده است. بین پایبندی به شرکت در مناسک و رفتارهای دینی (نماز جماعت، نماز جمعه، برنامه‌های مذهبی مساجد، جلسات قرآن، جلسات دعا، شرکت در هیئت‌های مذهبی) بر روی سبک عشق‌ورزی تأثیرگذاری بالایی وجود دارد. علی‌رغم آنکه انتظار می‌رفت مدرنیته و تغییرات اجتماعی عصر جدید و عرفی شدن دین، سبب کاهش این بعد از دین‌داری شود، اما تحقیق حاضر ثابت کرد باوجود فرآیند جهانی شدن و عرفی

شدن دین در جامعه ما حضور افراد در مناسک جمعی دینی موجبات استحکام در بنیان خانواده و ابراز عشق به همسر می‌گردد. از سوی دیگر در این پژوهش مشخص گردید رفتارهای دینی واجب (نماز، روزه، غسل واجب، امر به معروف و نهی از منکر، فطریه، خمس و زکات) تأثیر بسزایی بر روی سبک عشق‌ورزی دارد؛ به گونه‌ای که افراد مقید به رفتارهای واجب دینی از میزان بالایی از عشق‌ورزی برخوردار می‌باشند. علاوه بر رفتارهای دینی واجب، رفتارهای مستحبی دینی (صدقه دادن، نمازهای مستحبی، شرکت در مراسم قران، دعا خواندن و نذر نمودن) نیز بر روی سبک عشق‌ورزی اثر بالایی دارند. بررسی تأثیر تقید به دوری از محرّمات دینی (نوشیدن مشروب، سقط جنین، گرفتن سود پول در زمان قرض دادن، شرکت در مهمانی‌های مختلط) در سبک عشق‌ورزی نشان داد علی-رغم تأیید فرضیه‌ی مذکور، داشتن تقید به دوری از محرّمات دینی، اثر چندانی بر روی سبک عشق‌ورزی نداشته و رابطه متوسط رو به پایینی بین این دو امر وجود دارد.

منابع

- ایوانز، مری (۱۳۸۶). عشق بحثی غیر عاشقانه، مترجم پروین قائمی، تهران: آشیان.
- برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت؛ کلنر، هانسفرید (۱۳۹۸). ذهن بی‌خانمان؛ آگاهی و نوسازی، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نشر نی.
- حسینی، فخرالسادات؛ علوی لنگرودی، سید کاظم (۱۳۹۶)، «نقش سبک‌های دل‌بستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه‌گری عشق‌ورزی»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۱۸۸-۱۶۵.
- زارعان، منصوره؛ عامری، پردیس (۱۳۹۶). «تحولات خانواده و بازخوانی معنای عشق به‌منزله شورش در راهی (با تأکید بر فیلم «صحنه‌هایی از یک ازدواج» ساخته اینگمار برگمان)»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ویژه‌نامه فرهنگ، ادب و هنر، صص ۹۵-۶۹.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
- طشت‌زر، فریبا؛ حیدری، حسین؛ روحانی رصاف، جواد (۱۳۹۱). «دین و مدرنیته از نگاه آنتونی گیدنز»، پژوهشنامه ادیان، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۱۱۶-۹۱.
- قزوینه، زیلا؛ شکرپیگی، عالی؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۸). «پدیدارشناسی مناسک دینی خانوادگی و تأثیر آن بر مناسبات اجتماعی زوجین و خانواده‌ها در میان سه گونه همسرگزینی»، مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۴، صص. ۹۶-۷۱.
- کاظمی، عباس؛ فرجی، مهدی (۱۳۹۵). دین‌داری ایرانیان (موج نخست)، تهران: جامعه و فرهنگ.
- کامکاری، کامبیز (۱۳۹۰). روانشناسی عشق، تهران: انتشارات بال.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- ناظمی اشنی، محمدحسین (۱۴۰۰). «الگوی اسلامی تعادل بین علایق فردی زنان و تضمین سلامت روابط اجتماعی در جهت پیشرفت»، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۳۴-۱۱۹.
- نایی، هوشنگ؛ آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۵). «سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی»، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳، صص ۹۳-۷۶.
- ویر، ماکس (۱۳۹۲). دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر هرمس.

ولی‌بیگی، میترا (۱۳۸۶). «بررسی میزان و نوع عشق و رابطه آن با رضایت از زندگی و سلامت روان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، استاد راهنما مهرانگیز پیوسته‌گر.

ابراهیمی، کریم؛ پرکان، حسین؛ برزگر بفرویی، کمال (۱۴۰۰). «مختصات راهبردی الگوی سبک زندگی

اسلامی»، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۱۸-۸۳

مولوی‌زاده، اکرم؛ شکرپیگی، عالیه؛ خوش فر، غلامرضا (۱۳۹۶). «سبک زندگی (ایرانی اسلامی) و

مصرف فرهنگی (مورد مطالعه شهروندان گرگانی)»، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت ایرانی

اسلامی، دوره ۵، شماره ۹، صص ۱۳۶-۱۲۵.

Abeyta Andrew A. & Routledge, Clay. (2018). The need for meaning and religiosity: An individual differences approach to assessing existential needs and the relation with religious commitment, beliefs, and experiences, *Personality and Individual Differences - Volume 123*, 1 March 2018, Pages 6-13.

Berscheid, E. (2010). Love in the fourth dimension. *Annual Review of Psychology*, 61, 1-25.

Holdcraft, Barbara. (2006). What is Religiosity, September 2006.

Villani, Daniela & Angela Sorgente & Paola Iannello and Alessandro (2019). The Role of Spirituality and Religiosity in Subjective Well-Being of Individuals With Different Religious Status, [://www.frontiersin.org/journals/psychology](http://www.frontiersin.org/journals/psychology).